

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینة ایران

فرستنده: یک تن از هواداران

۱۰/۱۰/۰۱

"طرح یارانه‌ها" (۱) و طنابی که رژیم بر گردن مردم آویخته است

حذف سوبسیدها و قانون آزادسازی کامل قیمت‌ها، پس از یک دوره کشمکش و اختلاف بر سر زمان و نحوه اجرای آن، سرانجام در مهرماه [میزان] سال گذشته (۸۸) به تصویب مجلس رسید. طرح دولت احمدی نژاد از آغاز این بود که از محل حذف سوبسیدها، ۴۰ هزار میلیارد تومان از مردم اخذ کند. مجلس اما که از واکنش اعتراضی مردم و از عواقب فشارهای ناشی از اجرای این طرح سخت بیمناک بود، نیمی از مبلغ درخواستی دولت، یعنی ۲۰ هزار میلیارد تومان را به تصویب رساند. این قانون قرار بود از آغاز سال جاری به مرحله اجرا گذاشته شود، اما احمدی نژاد اجرای آن را شش ماه به عقب انداخت تا از این طریق، حرف خودش را، به نحو دیگری اجرا کرده باشد، یعنی به جای ۴۰ هزار میلیارد تومان در یک سال، ۲۰ هزار میلیارد تومان در شش ماه از مردم بگیرد. گرچه زمان اجرای قانون به اصطلاح هدفمند کردن یارانه‌ها مهرماه اعلام گردیده و اگر چه تمام دار و دسته‌های حکومتی و سران رژیم از هر جناح و دسته‌ای با حذف سوبسیدها و آزادسازی کامل قیمت‌ها موافقت و بر اجرای آن مصر هستند، اما در زمان مقرر شده برای شروع اجرای این قانون، یعنی در مهرماه که اکنون در هفته نخست آن به سر می‌بریم، بسیاری از ابهامات پیشین موجود در باره زمان دقیق اجرای این قانون، مبالغ یارانه نقدی که قرار است به خانواده‌ها پرداخت شود و مدت زمان پرداخت این یارانه‌ها، همچنان به قوت خود باقی هستند.

احمدی نژاد در یک گفتگوی تلویزیونی در اواخر شهریور در مورد زمان اجرای این قانون گفت "اجرای این طرح از مدتی پیش شروع شده است، اما بخشی که مربوط به پشتیبانی از خانواده‌هاست هنوز آغاز نشده و آن زمانی است که ما تغییر قیمت می‌دهیم!" وی با تأکید بر این نکته که بخشی از یارانه‌های نقدی در مهرماه به حساب‌ها واریز می‌شود، در مورد زمان اعلام رسمی تغییر قیمت‌ها تصریح نمود که "روز دقیق اجرای نهایی طرح را اعلام نمی‌کنیم!"

پس از او، بهروز مرادی مدیر عامل سازمان تازه تأسیس یافته هدفمندسازی یارانه‌ها نیز چنین وعده داد که یارانه‌های نقدی از ابتدای مهر، به حساب سرپرستان خانوار واریز می‌شود! اما هنوز دو روز از اعلام این

اظهارات نگذشته بود که یک عضو هیأت رئیسه مجلس در گفتگو با ایلنا پیرامون اجرای این قانون گفت "اجرای این قانون، به دلیل عدم واریز مبالغ خانوارها، یک ماه به تأخیر افتاده است!"

صرف نظر از نامشخص بودن زمان دقیق اجرای قانون هدف مند سازی یارانه ها و یا اعلام رسمی تغییر قیمت ها و بیم دولت و کل دستگاه حکومتی از اعلام آن، و صرف نظر از نامشخص بودن زمان پرداخت یارانه های نقدی، مقدار این یارانه ها و مدت زمانی که قرار است این یارانه ها به خانواده ها پرداخت گردد نیز، کماکان نامعلوم است!

بر اساس قانون یارانه ها، ظاهراً ۵۰ درصد درآمد حاصل از حذف سوبسیدها یا آزادسازی قیمت حامل های انرژی که معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان می شود، باید به صورت یارانه نقدی به مردم تخصیص یافته و به حساب آن ها واریز گردد. طبق اظهارات مقامات دولتی و بر پایه برآوردهای رسانه های حکومتی، در گام نخست، دولت به حدود ۶۱ میلیون نفر که برای دریافت یارانه ها ثبت نام کرده اند، یارانه نقدی پرداخت خواهد کرد که به طور متوسط رقمی حدود ۲۷ هزار تومان در هر ماه به ازاء هر نفر خواهد بود. به گفته وزیر امور اقتصادی و دارائی رژیم، نزدیک به ۵ / ۱۰ میلیون از این ۶۱ میلیون نفر را اقشار آسیب پذیر تشکیل می دهند و یارانه ای که به آن ها تعلق می گیرد بیشتر خواهد بود و توزیع یارانه های نقدی به این صورت می شود که سهم یارانه نقدی ماهانه این ۵ / ۱۰ میلیون نفر به ازاء هر فرد ۴۳ هزار تومان و بقیه یعنی ۵ / ۵۰ میلیون نفر دیگر ماهانه رقمی حدود ۲۴ هزار تومان، خواهد بود.

اما این آمار و ارقامی که در رسانه های حکومتی درج شده است، صرف نظر از آنکه تا چه حد بر مبنای داده های واقعی تنظیم شده، و صرف نظر از آنکه تا چه حد با هدف آماده سازی شرایط روانی حذف قطعی سوبسیدها و چپاول بی سر و صدای توده های مردم، به خورد جامعه داده می شود، هنوز رسمیت و سندیت ندارند. مقامات رسمی و دولتی نیز در مورد مبلغ یارانه ها به کلی سکوت کرده اند و به مردم نمی گویند بالاخره این مبلغ یارانه نقدی که قرار است به حساب آن ها واریز شود چه مقدار است؟ و مدیر عامل سازمان هدف مند سازی یارانه ها نیز در واکنش به این برآوردها و رقم ها می گوید "هنوز هیچ مبلغی در خصوص یارانه ها اعلام نشده است!"

در حالیکه توده های زحمتکش مردم، تا همین جا هم از قانون حذف سوبسیدها و آزادسازی کامل قیمت ها، آسیب های زیادی دیده و بسیار متضرر شده اند و آثار تخریبی آن بر سطح زندگی و معیشت خود را با گوشت و پوست لمس نموده اند، دولت اما در عین پنهان ساختن ابعاد و دامنه تأثیرات تخریبی اجرای این قانون در زندگی مردم و همچنین بازی در مورد زمان دقیق اجرای آن و نیز در ابهام گذاشتن چند و چون "جبران" حذف سوبسیدها، در همان حال که بر اضطراب و نگرانی مردم در این مورد افزوده است، آرام آرام در حال پیشبرد و اجرای سیاست های خویش است.

جالب اینجاست که دولت احمدی نژاد و کل رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه آوار بزرگ و نابود کننده ای را بر سر مردم خراب می کنند، از لفاظی پیرامون مزایای این قانون نیز خسته نمی شوند و در کمال وقاحت شب و روز سرگرم دروغ بافی و شیادی اند!

مدیر عامل سازمان هدف مند کردن یارانه ها می گوید "دولت برنامه ریزی کرده است تا با اجرای قانون هدف مند کردن یارانه ها، معیشت مردم بهتر از گذشته شود!" وی ضمن اشاره به این موضوع که ۵۰ درصد از وجوه حاصله از اجرای این طرح به صورت نقدی به مردم برمی گردد، چنین ادعا می کند که "در هفت دهک مد نظر گرفته شده، قدرت خرید شش دهک افزایش پیدا می کند و یک دهک نیز تقریباً متناسب با افزایش درآمدها را خواهد داشت!" و

در آخر هم چنین اضافه می‌کند ”با نگاهی که دولت به اجرای قانون یارانه‌ها دارد، در واقع ۸۰ الی ۹۰ درصد از منابع به خود مردم برمی‌گردد.“!

به مدیر عامل سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها که معلوم است از شاگردان وفادار رئیس جمهور است و در مکتب دروغ بافی و شیادی احمدی نژاد پرورش یافته است، باید یادآوری کرد که اولاً وقتی که قیمت حامل‌های انرژی مانند گاز، نفت، گازوئیل، برق، آب و امثال آن آزاد اعلام گردد، معنایش این است که قیمت‌های کنونی این کالاها، چند برابر می‌شود و نرخ تورم به شدت افزایش پیدا می‌کند. ثانیاً افزایش قیمت‌ها، در محدوده حامل‌های انرژی خلاصه نمی‌شود، بلکه به سرعت برق به تمام کالاها و خدمات دیگر نیز سرایت می‌کند. ثالثاً همگان می‌دانند که موضوع فقط به این هم خلاصه نمی‌شود. با افزایش قیمت سوخت و حامل‌های انرژی، بهای محصولات تمام مؤسسات و کارخانه‌هایی که مصرف کننده این مواد هستند نیز به شدت افزایش پیدا می‌کند و تأثیرات مشدّد آن بطور زنجیروار به همه کالاها و خدمات دیگر نیز گسترش می‌یابد. بنابراین روشن است که با اجرای این قانون ”معیشت مردم“ نه فقط بهتر نخواهد شد بلکه به مراتب بدتر از گذشته خواهد شد. دلیل آن هم برای کارگران و توده مردم روشن است. در جایی که دستمزد کارگر حدود ۳۰۰ هزار تومان است و متوسط دستمزدها با احتساب تمام درآمدهای جانبی به زحمت از ۵۰۰ هزار تومان تجاوز می‌کند، یک خانوار چهار پنج نفره کارگری با همین درآمد و یارانه ناچیزی چهل هزار تومانی که قرار است به هر فرد برگردانده شود، باید معادل جهانی بهای کالاها و خدماتی را بپردازد که در کشورهای دیگر جهان با درآمد ماهانه لافل ۲۰۰۰ دلار تأمین می‌شود!

بنابراین درحالی‌که درآمد ها تقریباً ثابت می‌ماند، و یا به میزان ناچیزی بر آن افزوده می‌شود، - چرا که به عنوان یارانه نقدی فقط مبلغ اندکی که آن هم معلوم نیست دقیقاً چه مقدار است و پرداخت آن چه مدت زمانی ادامه خواهد یافت - اما قیمت کالاها و خدمات چند برابر افزایش پیدا می‌کند، روشن است که قدرت خرید مردم نه فقط افزایش پیدا نمی‌کند، بلکه به طور فاحشی کاهش می‌یابد. اینکه گفته شود با اجرای این قانون قدرت خرید مردم افزایش می‌یابد، این جز یک فریب کاری و دروغی آشکار بیشتر نیست.

دولت ادعا می‌کند ۵۰ درصد از وجوه حاصله از اجرای طرح هدفمند سازی به صورت نقدی به مردم بر می‌گردد! این هم یک دروغ بزرگ و کلاهبرداری بیشتر نیست. چرا که دولت در واقعیت امر نه تنها چیزی به توده‌های زحمتکش مردم نمی‌پردازد، بلکه به عکس تمام یا بخش اعظم ۲۰ هزار میلیارد تومان مصوّب مجلس را از همین مردم فقیر و زحمتکش می‌گیرد. ظاهر قضیه این است که دولت مبلغی را تحت عنوان یارانه نقدی به افراد می‌پردازد اما در واقع دولت در ازاء آن از طریق افزایش بهای نفت، گاز، برق، آب و نان و ده‌ها قلم کالا و خدمات مورد نیاز مردم، لافل دو تا سه برابر آن را و شاید هم بیشتر، از مردم باز پس می‌گیرد. بنابراین صرف نظر از اینکه مبلغ یارانه نقدی و مدت زمان پرداخت آن هنوز مشخص نشده است، اما این نکته از هم اکنون روشن است که قرار نیست دولت چیزی به مردم بدهد! دولت بطور قطع مردم را سرکیسه و چپاول می‌کند اما ممکن است در آغاز و برای جلوگیری از اعتراضات و طغیان مردم بخش اندکی از آن را برای مدتی به آنها برگرداند!

مدیر عامل سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها، در ادامه دروغ بافی های خود برای آماده سازی شرایط تهاجم مرگ بار به سطح زندگی و معیشت توده‌های مردم، چنین ادعا می‌کند که ”۹۰ درصد منابع و وجوه حاصله به خود مردم بر می‌گردد“!

باید از مدیر عامل سازمان بیچاره سازی مردم و نوچه احمدی نژاد پرسید: خوب اگر چنین است، اگر ۹۰ درصد از وجوه حاصل قرار است به خود مردم برگردد، پس چرا اصولاً دولت باید برای خودش و برای کل رژیم این همه

دردسر ایجاد کند؟ چرا و به چه دلیل از اجرای این قانون این همه وحشت دارد؟ چرا سران حکومتی از یک دوران سخت و ریاضت صحبت می‌کنند؟ چرا به مردم پیام داده می‌شود که خود را برای یک دوران سخت آماده کنند؟ چرا پی در پی از مردم خواسته می‌شود که در اجرای قانون آزادسازی قیمت‌ها، دولت را همیاری کنند؟

در حالیکه تمام جناح‌ها و سران حکومت و در رأس آن شخص خامنه‌ای بر اجرای این قانون اصرار دارند و بر لازم الاجرا بودن آن تأکید می‌ورزند، اما در عین حال تمام آنها بدون استثناء از عواقب اجرای آن وحشت دارند. وحشت آن‌ها هم از ناحیه تأثیرات بلا انکار مخرب این طرح بر زندگی توده‌های مردم و از ناحیه واکنش‌های بعدی مردم است. دعوت مکرر از مردم به همکاری و همیاری دولت، بازگو کننده همین واقعیت است. تردیدهایی که در زمینه اجرای موفقیت آمیز این طرح وجود دارد و گاه در بیان این یا آن فرد حکومتی انعکاس می‌یابد نیز مؤید همین مسأله است. هم اکنون در مجلس ارتجاع، زمزمه اینکه دولت امسال نمی‌تواند قانون را به مرحله اجراء بگذارد و باید آن را به سال آینده موکول نماید نیز شنیده می‌شود! با این وجود برای دولت چاره‌ای نمانده است جز آنکه طرحی را که از قبل محکوم به شکست است، به اجراء درآورد!

اما مسأله و معضل جمهوری اسلامی در حال حاضر به این خلاصه نمی‌شود که باید پای اجرای طرحی برود که محکوم به شکست است و عواقب وخیم و تقابل‌های بزرگی را برای رژیم در پی دارد. مسأله مهم این است که آغاز اجرای قانون آزاد سازی قیمت‌ها، با تحریم‌های شدید جمهوری اسلامی و وخیم‌ترین وضعیت رژیم به لحاظ اقتصادی و سیاسی مصادف شده است. تأثیرات و بازتاب سیاست خارجی رژیم بر اوضاع داخلی و اثرات تحریم‌ها بر اوضاع اقتصادی که بدون آن نیز به قدر کافی دچار نا به سامانی و از هم گسیختگی است، به اندازه ای موثر بوده و آن را تشدید نموده است که حتا رفسنجانی نیز بهرغم تمام ملاحظه کاری‌هایش و به رغم آن که زیر ضرب جناح حاکم است، از ”جدی“ بودن این تحریم‌ها سخن گفت و آن را هشدار داد!

جمهوری اسلامی در حال حاضر نه فقط در زمینه واردات کالاهای تحریم شده با مشکل بزرگی روبرو شده است و قادر نیست این نیازها را تأمین کند، بلکه به دلیل قطع ارتباطات بانکی و مشکلاتی که در زمینه نقل و انتقال پول ایجاد شده است، با مشکلات و معضلات بزرگتر و بیشتری مواجه گشته است، به نحوی که نه دولت و نه سایر سرمایه‌داران قادر به خرید و تهیه حتا آن بخش از کالاهایی که مشمول تحریم‌ها نشده‌اند، نمی‌باشند! این مشکلات و موانع فقط به بانک‌های آمریکائی و اروپائی هم خلاصه نمی‌شود. امارات متحده عربی که یکی از مهم‌ترین پایانه‌های صادرات مجدد کالا به ایران محسوب می‌شود نیز تحریم‌های بانکی مورد نظر شورای امنیت را به مرحله اجراء گذاشته است. مطابق بخشنامه بانک مرکزی امارات، کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی این کشور از داد و ستد با ۴۱ بانک و مؤسسه مالی و اعتباری ایرانی که نام آن‌ها در لیست تحریم‌های شورای امنیت قرار دارند، منع شده‌اند. گشایش اعتبار بانک‌های ایرانی در این کشور نیز با محدودیت روبرو شده است و بیش از چهل شرکت اماراتی و غیر اماراتی مستقر در دبی به دلیل نقض تحریم‌های مالی و بانکی تعطیل شده‌اند.

هم اکنون صدها شرکت و مؤسسه مالی و بانکی ایرانی که در این کشور و به ویژه در دبی مشغول فعالیت و تجارت بوده‌اند، با مشکل روبرو گشته‌اند. آزاد سازی قیمت‌ها بر بستر این تحریم‌ها و اثرات آن، جامعه را ملتهب و رژیم جمهوری اسلامی را با شرایط بسیار حاد و دشواری روبرو ساخته است. شرایطی که از آن به عنوان یک دوره سخت و ریاضت نام برده می‌شود. شرایطی که بدون شک واکنش مردم را نیز در پی خواهد داشت. توده‌های مردم زحمتکش در برابر اجرای قانون آزاد سازی قیمت‌ها دست به مقاومت خواهند زد. مردم مخالف این سیاست‌ها هستند و رژیم جمهوری اسلامی نیز این را می‌داند. از همین رو تلاش دولت این بوده است که سیاست خود را آرام

آرام پیش ببرد. اما توده‌های مردم که از هم اکنون اثرات شوک بزرگ اقتصادی را حس کرده‌اند، در برابر آن دست به مقاومت و مبارزه خواهند زد. نتایج خانمان برانداز اجرای قانون آزاد سازی قیمت‌ها از هم اکنون روشن است. اقدامات تاکنونی دولت در این زمینه نیز، اگر چه آرام و تدریجی، اما کافی بوده است که مردم زحمتکش ایران چشم انداز وحشتناکی را که رژیم برایشان تدارک دیده است، در نظر خود مجسم سازند. بنابراین از هم اکنون باید مبارزه علیه تعرضات و زورگوئی‌های رژیم را آغاز و در برابر سیاست آزاد سازی قیمت‌ها مقاومت و آن را خنثا کنند. در چند هفته اخیر نشانه‌های فراوانی از مقاومت مردم در برابر زورگوئی‌ها و کلاشی‌های رژیم و مبارزه با آن دیده شده است. مردم باید از پرداخت پول‌های اضافی که رژیم بابت آب و برق و گاز و امثال آن مطالبه می‌کند خودداری کنند و با پریائی اجتماعات اعتراضی در برابر موسسات و ادارات مربوطه، خواستار لغو این قانون شوند. اگر توده‌های مردم، به فرض اهالی یک محله یا شهرک، با هم تصمیم بگیرند و از پرداخت این مبالغ خودداری نمایند، دولت هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. تردیدی در این مسأله وجود ندارد که اگر توده‌های کارگر و زحمتکش مردم اراده کنند، اگر به یک مبارزه و مقاومت دستجمعی روی آورند، قادرند سیاست دولت را با شکست روبرو ساخته و رژیم را به عقب نشینی وادار نمایند.

سران رژیم جمهوری اسلامی، طناب دار را بر گردن مردم زحمتکش افکنده‌اند و آنان را به همکاری با دولت دعوت می‌کنند تا با دست خود، گره طناب را محکم‌تر سازند. مردم اما نباید به پاسخ منفی به دعوت کنندگان اکتفا نموده و بیش از این به آن‌ها مهلت دهند، بلکه با آویختن طناب بر گردن رژیم باید خود را از شر همه آنها خلاص کنند.

یادداشت:

(۱) یارانه‌ها:

این کلمه که مطابق "سب سیدی" زبان انگلیسی می‌باشد، در افغانستان شکل کمکهائی را داشت که از طرف دولت برای مامورین ویا اجبران دولتی از طریق کوپون‌ها داده می‌شد.